

بسم الله الرحمن الرحيم



نمونه هایی از کرامات

امام حسن مجتبی

کریم اهل بیت (علیهم السلام)

زندگانی امام حسن (ع)

در نیمه رمضان سال دوم یا سوم هجری [کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۴] ستاره‌ای دیگر در آسمان امامت و ولایت بدرخشید و با نور خود جهان را منور ساخت. پس از تولد، حضرت فاطمه (س) او را برای نام گذاری خدمت امیر المؤمنین (ع) آورد، آن حضرت فرمود: من در نام گذاری او بر رسول خدا پیشی نمی‌گیرم. پس او را به نزد رسول الله (ص) آوردند، ایشان فرمودند: من در نام گذاری او برخداوند (عزوجل) پیشی نمی‌گیرم. در این هنگام خداوند به جبرئیل فرمود: محمد (ص) صاحب فرزندی شده، فرود آی و به او سلام برسان و تبریک بگو و بگو که علی (ع) نسبت به تو به منزله هارون نسبت به موسی (ع) است، پس نام فرزند هارون را بر او بگذار. جبرئیل فرود آمد و پس از ابلاغ سلام و تبریک، عرض کرد: خداوند به تو امر کرده که نام فرزند هارون را بر او بگذاری. حضرت (ص) فرمود: نام او چه بوده است؟ عرض کرد: «شبر». حضرت فرمود: زبان ما عربی است. جبرئیل عرض کرد: پس نام او را «حسن» بگذار، و پیامبر (ص) نیز چنین کرد. اشیر صدوق، الامالی، ص ۱۹۷؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۳۸]

کنیه ایشان «ابو محمد» است و برخی از القابشان عبارتند از: «سید، مجتبی، سبط، الامین، الحجّة، البر، التقی، الزکی و الزاه». [ابن شهر آشوب، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۵]

ایشان هفت سال و اندی از دوران کودکی خویش را در دامان شریف رسول خدا (ص) سپری کردند و پس از آن ۳۰ سال یآوری صدیق برای پدر گرامی خویش بودند و پس از شهادت امیر مؤمنان علیه السلام ۱۰ سال عهده دار امامت شیعیان گردیدند. سرانجام معاویه با فریفتن «جعه»، همسر آن حضرت و اعطای صد هزار درهم و وعده ازدواج با فرزند خود یزید، امام (ع) را مسموم ساخت و ایشان پس از ۴۰ روز بیماری در آخر صفر سال

۵۰ هجری مظلومانه به شهادت رسیدند. [ابن شهر آشوب، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۳۴؛ سایت حوزه نت، اشاره ای به کرامات امام حسن مجتبی (ع)، <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/2689/3831/29279>]



نمونه هایی از عجائب و کرامات شگفت انگیز سبط اکبر

۱. سزای قسم دروغ

در زمان امام مجتبی علیه السلام مردی به دروغ مدعی شد که: «من هزار درهم از حسن بن علی (ع) می‌خواهم». حضرت با آن مرد برای محاکمه به نزد شریح قاضی رفتند، شریح رو به امام حسن (ع) کرده و گفت: «شما قسم می‌خورید که بدهکار نیستید؟». حضرت فرمودند: «اگر این مرد قسم بخورد، من پول را به او می‌دهم». شریح رو به آن مرد کرده، گفت: «بگو: «بالله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهاده؛ سوگند بدان خدایی که معبودی جز او نیست دانای غیب و شهود». حضرت مجتبی (ع) به آن مرد فرمود: نه، نمی‌خواهم اینگونه قسم بخوری، زیرا در آن خداوند را با وحدانیت و عظمت یاد می‌کنی و خداوند حیا می‌کند که بنده‌اش را در این فرض گرفتار کند، پس بگو: «بالله ان لک علی هذا؛ و خذ الالف؛ به خدا قسم من این مبلغ را از تو طلبکارم؛ و دنبال آن

هزار درهم را بگیر». مرد همانگونه قسم خورد و پول را گرفت ولی به محض آن که از جا برخاست به صورت بر زمین افتاد و مرد. [ابن شهر آشوب، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۲۷]

۲. دعای مستجاب

حضرت مجتبی(ع) بیش از بیست و پنج مرتبه با پای پیاده از مدینه به قصد زیارت خانه‌ی خدا به مکه رهسپار شد. در یکی از سفرها، پاهای حضرت ورم کرده و صدمه دید. یکی از خدمتکاران عرض کرد: «یابن رسول الله! اگر سوار شوید ممکن است قدم هایتان بهبود یابد».

امام(ع) فرمود: «نه! اما در منزلگاه بعدی سیاه پوستی نزد تو خواهد آمد و در دست او روغن و پمادی است که درمان ورم قدمهای من در آن است، تو آن روغن را از او بخر». خدمتکار گفت: «پدر و مادرم به فدایت، سابقه ندارد کسی در این منازل چیزی بفروشد».

امام(ع) فرمود: «آن مرد در نزدیک منزلگاه بعدی است». خدمتکار گوید: «همین که مقدار کمی از آن محل گذشتیم ناگاه آن سیاه پوست پیدا شد!». امام(ع) به من فرمود: «آن شخص سیاه همین مرد است». من نیز نزد او رفتم و تقاضای روغن نمودم.

مرد سیاه پوست: «این پماد را برای که می خواهی؟».

خدمتکار: «برای حسن بن علی».

سیاه پوست: «لطفا مرا به حضور آن حضرت راهنمایی کن».

و آنگاه با هم به محضر امام(ع) شرفیاب شدند. مرد سیاه پوست گفت: «پدر و مادرم فدای تو باد، من نمی دانستم که روغن را برای شما می خواهند، اجازه دهید که قیمتش را بگیرم، چرا که من از ارادتمندان و نوکران شما هستم و اکنون از شما حاجتی دارم و آن این است که به هنگام جدا شدن از همسرم او را درد زایمان

بود، از خدا بخواهید که به من پسری سالم و دوستدار شما اهل بیت مرحمت فرماید». امام(ع) فرمود: «به خانهات برگرد که خداوند به تو پسری سالم عطا فرموده و او از شیعیان ما می باشد».

آن شخص با عجله به خانه‌اش بازگشت و همسرش را مشاهده کرد که پسری سالم به دنیا آورده است. پس مجدداً به قصد تشکر به محضر امام حسن(ع) بازگشت. آن کودک بعدها از شاعران و مادحین خالص و ممتاز آل محمد(ع) گردید و با نام «سید حمیری» معروف گشت. امام(ع) نیز از آن روغن استفاده کرد و در دم درد پاهایش برطرف گردید. [کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۳؛ الراوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۲۳۹؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۲۴؛ سید علی حسینی، کرامات و مقامات عرفانی امام حسن مجتبی(ع)، صص ۷۲ - ۶۹]



۳. تعداد میوه ها

بعد از گذشت شش ماه از امامت، امام حسن(ع) برای حفظ خون شیعیان و مصالح دیگر، با شرائطی صلح نامه ای با معاویه امضاء کرد. هنوز لشکرگاه خود را در «نخيله» ترک نکرده بود که معاویه وارد شد، و در آنجا به بحث و گفتگو پرداختند. در این میان، پسر

هند از امام حسن(ع) پرسید: ای ابا محمد! شنیده ام که رسول خدا از عالم غیب خبر می داد! مثلاً می گفت: این درخت خرما چه مقدار میوه و رطب دارد! آیا شما نیز در این موارد علومی دارید؟ زیرا شیعیان شما عقیده دارند که هر چه در آسمانها و زمین است، از شما پوشیده نیست و شما از همه آنها آگاهی دارید! حضرت در جواب معاویه فرمود: «ای معاویه! اگر رسول خدا از نظر مقدار وکیل این قبیل ارقام را تعیین می کرد، من می توانم به صورت دقیق، تعداد آن را مشخص سازم».

در این وقت، معاویه به عنوان آزمایش سؤال کرد: «این درخت چند دانه رطب دارد؟» حضرت فرمود: «دقیقاً چهار هزار و چهار عدد». معاویه دستور داد دانه های خرماي آن درخت را چیدند و به طور دقیق شمردند و با کمال تعجب دیدند تعداد آنها چهار هزار و سه عدد است!! حضرت فرمود: «آنچه را گفته ام درست است». سپس بررسی دقیق تری کردند و دیدند که یک دانه خرما را «عبدالله بن عامر» در دست خود نگه داشته است! آن گاه، حضرت فرمود: «ای معاویه! من به تو اخباری می دهم که تعجب کنی که من چگونه این اخبار را در دوران کودکی از پیامبر آموختم! و آن اینکه تو در آینده زیاد بن ابیه را برادر خود می خوانی! و حجر بن عدی را مظلومانه به قتل می رسانی! و سرهای بریده را از شهرهای دیگر برای تو حمل می کنند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۲۹؛ سید علی حسینی، کرامات و مقامات عرفانی امام حسن مجتبی(ع)، ص ۷۷]

واحد آموزشی - تربیتی

مدرسه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) ماهشهر

معاونت پژوهش